

نقد اقتصاد سیاسی انسان محور

دو مرور بر کتاب «حیوانات و سرمایه»

نوشته‌ی دینش وادیول

ترجمه‌ی کانال تلگرامی «ما حیوانات»



(۱)

نوشته‌ی جیشنو گوها - ماجومدار

در ابتدای کتاب «حیوانات و سرمایه»، دینش وادیول به‌درستی اشاره می‌کند که این اثر را می‌توان دنباله‌ای بر کتاب «جنگ علیه حیوانات» (۲۰۱۵) دانست. او در آن کتاب، نظریه‌پردازی‌های انسان‌محور در باب جنگ، حاکمیت و زیست‌سیاست را مورد واسازی قرار داده بود. او نشان داد که نمی‌توان صرفاً حیوانات را به این نظریه‌ها «اضافه کرد و سروته آن را هم آورد»، بلکه توجه به زندگی و مرگ حیوانات غیرانسانی، درک ما از این مفاهیم را ژرف‌تر و دگرگون می‌سازد. نقشی که کتاب «جنگ علیه حیوانات» در عرصه‌ی سیاست دارد، کتاب «حیوانات و سرمایه» در عرصه‌ی اقتصاد سیاسی ایفا می‌کند. وظیفه‌ی اصلی وادیول در اینجا، تبیین جایگاه ساختاری ویژه‌ی حیوانات غذایی در نظام سرمایه‌داری است. او به‌این‌ترتیب استدلال می‌کند که این امر، پیامدهای مهمی در ایجاد همبستگی میان حیوانات غذایی و انسان‌های به‌حاشیه‌رانده‌شده دارد و به تقویت هر دو، یعنی حمایت از حیوانات و پراکسیس ضدسرمایه‌داری، می‌انجامد.

کتاب «حیوانات و سرمایه» به مجموعه آثار رو به افزایشی می‌پیوندد که به بررسی نظری رابطه میان سرمایه‌داری و آنچه وادیول آن را انسان‌محوری سلسله‌مراتبی می‌خواند، می‌پردازند. باین‌حال، «حیوانات و سرمایه» به‌دلیل پرداختن به نقدی جامع و نظام‌مند بر اقتصاد سیاسی (انسان‌محور) و نیز نظریه‌پردازی درباره‌ی نقش حیوانات غذایی در تولید ارزش سرمایه‌دارانه، اثری منحصربه‌فرد است. منظور از «نقد نظام‌مند اقتصاد سیاسی» این است که هدف اصلی وادیول صرفاً پرداختن به اقتصاد سیاسی به معنای دقیق کلمه نیست - هرچند که او تا حد زیادی به این موضوع می‌پردازد - بلکه دگرگون ساختن درک انسان‌محور از مفاهیم و مقولات تحلیل اقتصاد سیاسی است. منظور من از تمرکز بر «ارزش سرمایه‌دارانه» این است که نشان دهم وادیول چگونه به بررسی این موضوع می‌پردازد که سرمایه‌داری از حیوانات غیرانسانی برای تأمین محرک اصلی خود، یعنی تولید ارزش اضافی، بهره می‌گیرد. حیوانات غذایی نشان می‌دهند که تولید ارزش در نظام سرمایه‌داری به شیوه‌های نوین و تعیین‌کننده‌ای صورت می‌گیرد که مارکس و مارکسیست‌های انسان‌محور به‌درستی آن را نظریه‌پردازی نکرده‌اند.

همان‌طور که او در فصل اول بیان می‌کند، «پرسشی که تاکنون مطرح نشده، درباره‌ی ارزش است. دقیقاً ارزش حیوانات برای نظام سرمایه‌داری در چیست؟ چرا آنها همواره به‌عنوان ابژه‌هایی با ارزش استفاده مورد توجه بوده‌اند؟ و این ارزش چگونه رابطه‌ی آنها را با سرمایه تعیین می‌کند و شکل می‌دهد؟»

می‌توان رویکرد وادیول را به‌گونه‌ای دیگر نیز بررسی کرد؛ عبارتی که هنگام مطالعه‌ی کتاب مدام در ذهنم تکرار می‌شد این بود: «حیوانات و سرمایه» چیزی شبیه به یک «کاپیتال» مقدماتی برای تولید حیوانات غذایی است. وادیول از ابزارهای انتقادی‌ای که از آثار متأخر مارکس به او رسیده، بهره می‌گیرد تا روح حاکم بر «کاپیتال» را به فراتر از محدوده‌ی آن بکشاند. حاصل کار، اثری است که در درک مسیری که سلطه‌ی انسان‌محور در قرن گذشته طی کرده، بسیار روشنگر است و مهم‌تر از آن، پرسش‌ها و راه‌های ارزشمند بیشتری را برای تحلیل می‌گشاید.

در این بررسی، قصد دارم «حیوانات و سرمایه» را در سه بخش بررسی کنم: ابتدا، پیشگفتار و دو فصل نخست که مبانی روش‌شناختی متن را پی‌ریزی می‌کنند؛ سپس، فصل‌های میانی که در آن‌ها وادیول نقد خود بر اقتصاد سیاسی را با تمرکز بر مفاهیم عنوان‌شده‌ی کتاب ارائه می‌دهد. به نظر من، اینها هسته‌ی اصلی متن هستند. در پایان، تمرکز من بر فصل پایانی کوتاه‌تر خواهد بود؛ فصلی که در آن وادیول درباره‌ی مسیری سیاسی که تحلیلش می‌تواند حامیان حیوانات را به آن سو سوق دهد، به گمانه‌زنی می‌پردازد. من هر بخش را به اختصار مرور خواهم کرد و سپس به بررسی انتقادی دیدگاه‌های وادیول، به‌ویژه با تمرکز بر بازتعریف او از مفاهیم کار و مقاومت و نیز پیامدهای سیاسی تحلیل او، خواهم پرداخت.

روش‌شناسی و مفاهیم کلیدی

پیشگفتار، چارچوب سه مداخله‌ی مورد نظر وادیول را ترسیم می‌کند. نخست، اینکه مشکلی که حامیان حیوانات باید به آن توجه کنند، «گونه‌پرستی»- نوعی تعصب بی‌دلیل- نیست، بلکه پیوند مادی و ایدئولوژیکِ «انسان‌محوری سلسله‌مراتبی» و نظام سرمایه‌داری است. (vii) دوم، حامیان باید به همان اندازه که به مصرف توجه می‌کنند،

به تولید نیز توجه داشته باشند. دامداری‌های صنعتی نه تنها حیوانات غذایی را در مقیاسی بی‌سابقه در تاریخ بشر تولید می‌کنند، بلکه با تأمین غذای انبوه رو به افزایش نیروی کار انسانی، به‌شکلی زیست‌سیاسی، انسان را نیز «تولید» می‌کنند. سومین مداخله‌ی کتاب، فراتر رفتن از «کالایی‌سازی» و وضعیت دارایی به‌عنوان چارچوب اصلی برای فهم سلطه‌ی انسان‌محور است. این چارچوب، هرچند مهم است، اما از آنجا که سرمایه‌داری پیوسته اشکال مختلف حیات و جسمندی، چه انسانی و چه غیرانسانی، را به کالا تبدیل می‌کند، نمی‌تواند تمام ابعاد ستمی را که بر حیوانات غذایی روا داشته می‌شود، در بر بگیرد. آنچه اهمیت بیشتری دارد، جایگاه ساختاری منحصربه‌فرد آن‌ها به‌عنوان حیوانات غذایی است که نه فقط توسط ابزارهای فیزیکی اسارت، بلکه در چنبره‌ی ارزش‌گذاری سرمایه‌دارانه نیز گرفتار شده‌اند.

وادپول در فصل اول با عنوان «ارزش»، تعریف خود از سرمایه‌داری را ارائه می‌دهد، اشکال اصلی ارزشی را که حیوانات غذایی برای سرمایه پیدا می‌کنند، تشریح می‌کند و جایگاه «حیوانات و سرمایه» را در میان سایر آثار مرتبط با مارکس و موجودات غیرانسانی مشخص می‌کند. وادپول سرمایه‌داری را این‌گونه تعریف می‌کند: «یک ارگانیزم و سازوکاری که در پی استخراج و انباشت ارزش در قالب سرمایه است؛ سرمایه نیز خود، رابطه‌ای اجتماعی است که در انباشت مستمر خود سرمایه‌گذاری می‌شود» (۸-۹). این تعریف تأکید دارد که سلطه، بیش از آنکه از یک گروه - خود سرمایه‌داران به‌خودی‌خود - ناشی شود، از یک نظام غیرشخصی و غیرانسانی [بی وابستگی به فرد انسانی] سرچشمه می‌گیرد که بی‌وقفه در پی سازمان‌دهی مجدد هر شکلی از زندگی در جهت خلق ارزش است.

در چارچوب سرمایه، حیوانات غذایی در سه شکل ارزشی ظاهر می‌شوند. نخست، به‌عنوان کالاهای مصرفی - یعنی غذا - که امکان بازتولید نیروی کار انسانی را فراهم می‌کنند. دوم، به‌عنوان مواد اولیه‌ای که در فرایند تولید دامداری بر روی آن‌ها کار انجام می‌شود. سرانجام - و شاید از همه مهم‌تر برای وادپول - به‌عنوان نیروی کار. حیوانات غیرانسانی عوامل فعال در فرایند تولید هستند (ادعایی که در فصل ۴، «کار»، به آن پرداخته شده است). در واقع، با توجه به شمار بالای حیواناتی که در دامداری‌های

صنعتی تولید می‌شوند، شاید بتوان گفت که آن‌ها «مهم‌ترین "نیروی" کارِ نظام سرمایه‌داری» هستند (۱۴)، تأکید از متن اصلی است). وادیول بر این باور است که این وجه سوم، دیدگاه او را از بسیاری از روایت‌های معاصر در نظریه‌پردازی درباره‌ی سرمایه‌داری و موجودات غیرانسانی متمایز می‌کند - از جمله دفاع جان بلامی فاستر از مارکس، بازتدوین اکولوژیکی جیسون مور از مفهوم سرمایه‌داری و دیدگاه اکوفمینیستی آریل ساله درباره‌ی سرمایه‌داری. او با وجود همخوانی‌هایی که این روایت‌ها با رویکردش دارند، معتقد است که آن‌ها همچنان حیوانات غیرانسانی را نه عوامل تولید، بلکه منابعی برای تولید تلقی می‌کنند.

فصل دوم با عنوان «امر مادی»، به بررسی سه منبع الهام روش‌شناختی (علاوه بر مارکس) می‌پردازد: ماتریالیسم‌های جدید، بدبینی آفریقایی (Afropessimism) و نظریه‌ی دلوز و گاتاری درباره‌ی سرمایه‌داری. وادیول ضمن تقدیر از تأکید نظریه‌های نوماتریالیسم بر مادیتِ ورای حوزه‌ی حاکمیت انسان، نگران است که تمرکز این نظریه‌ها بر سیاست‌های مبتنی بر قرابت و کثرت‌گرایی، برای نظریه‌پردازیِ رابطه‌ی آنتاگونیستی حیوانات غذایی با نظام سرمایه‌داری کافی نباشد. از این رو، او برای نظریه‌پردازی این تقابل، از آثار فرانک ویلدرسون بهره می‌گیرد. وادیول در ادامه‌ی اثر خود، پیوسته میان دو گرایش مذکور در نوسان است؛ گاه با نظریه‌پردازی درباره‌ی اشتراکات و امکان همبستگی حیوانات غیرانسانی با جنبش‌های عدالت اجتماعی و گاه با ابراز نگرانی از پیامدهای برخی تعبیر رهایی انسان بر تشدید سلطه بر حیوانات. وادیول در ادامه، با بهره‌گیری از اندیشه‌های دلوز و گاتاری، به تبیین دقیق‌تر رابطه‌ی بین انسان‌محوری سلسله‌مراتبی و سرمایه می‌پردازد. سرمایه با «آزاد کردن» و تشدید برخی جریان‌ها و امیال عمل می‌کند و از این طریق قادر می‌شود روابط سلطه‌ی ازپیش‌موجود را جذب کرده و آن‌ها را به شکلی «سرخوشانه و دیوانه‌وار» (۵۶) دستخوش دگرگونی بنیادین سازد.

نقد اقتصاد سیاسی انسان‌محور

وادیول در بخش میانی کتاب، نقدی عملی بر اقتصاد سیاسی انسان‌محور که در

فصل‌های قبلی به آن پرداخته، ارائه می‌دهد. فصل سوم با عنوان «کالا»، به دو شکل نخست از اشکال ارزشی یاد شده که بر حیوانات مورد استفاده در تغذیه تحمیل می‌شوند، می‌پردازد: کالاهای مصرفی و مواد اولیه برای تولید. وادیول با خوانشی نسبتاً پیچیده و درخشان از یک پانویس در «کاپیتال» و نیز با بهره‌گیری از متون کلیدی لوس ایریگاری، ویلدرسون و ژاک دریدا نشان می‌دهد که حیوان غذایی، هم به عنوان کالایی مادی و هم به عنوان کالایی نمادین عمل می‌کند. در فرایند سنتی کالایی‌شدن، ارزش استفاده‌ی کالا از ارزش مبادله‌ی آن که در نسبت با نظام ارزش‌های مبادله‌ی دیگر تعیین می‌شود، انتزاع پیدا می‌کند. اما در مورد کالای حیوان غذایی، این نظام ارزش از حوزه‌ی صرفاً اقتصادی فراتر رفته و برتری انسان را نیز در یک نظام معنایی گفتمانی تثبیت می‌کند. به گفته‌ی وادیول، «گردش تصاعدی و جنون‌آمیز غذاهای حیوانی برای رضایت و لذت انسان، آینه‌ای همیشگی ایجاد می‌کند که به انسان اجازه می‌دهد خود را - حاکم و فاتح - در اجساد ساخته شده ببیند» (۷۱).

درحالی‌که این جنبه از کالایی‌شدن به نقش حیوانات غیرانسانی در تولید مربوط می‌شود، وادیول جنبه‌ی مصرفی کالایی‌شدن حیوانات را نیز بررسی می‌کند. در اینجا، سرمایه‌داری مشکلی منحصربه‌فرد برای حامیان حیوانات ایجاد می‌کند، زیرا به کارگران وعده‌ی دروغین آزادی را از طریق صرف دستمزدشان برای کالاهای مصرفی، به‌ویژه محصولات حیوانی، می‌دهد. نظام غذایی ارزان در سرمایه‌داری متأخر، جمعیت‌های انسانی را به‌گونه‌ای متابولیک با مرگ حیوانات غیرانسانی درهم می‌آمیزد. این امر برای وگنیسم اخلاقی متمرکز بر مصرف مشکلاتی ایجاد می‌کند (هرچند وادیول از اشکالی از وگنیسم سیاسی حمایت می‌کند)، زیرا محصولات حیوانی «با وعده‌ی آزادی و ضرورت آن عجین شده‌اند، به‌گونه‌ای که به نظر می‌رسد دست کشیدن از محصولات با منشأ حیوانی، به‌مثابه‌ی از دست دادن جهان یا خود مرگ است» (۸۵). بنابراین، حامیان حیوانات باید با نقش دوگانه‌ی حیوانات غذایی به عنوان عناصر تولید و مصرف، مقابله کنند.

فصل چهارم با عنوان «کار»، احتمالاً محوری‌ترین این فصل‌های میانی است و به‌طور مؤثر مفهوم «کار متابولیک» حیوانات غذایی را به تفصیل شرح می‌دهد. وادیول با تکیه

بر انسان‌شناسِ لِسِ بلدو و نظریه‌های فمینیستیِ کار بارداری، معتقد است که سرمایه فرایندهای میکروبیولوژیکی حیوانات را برای رشد بی‌وقفه و تولید ارزش هدف قرار می‌دهد. حیوانات غذایی نوع منحصربه‌فردی از عامل کار محسوب می‌شوند، زیرا هم به‌عنوان سرمایه‌ی ثابت (که ارزش را منتقل می‌کند اما ارزش جدیدی به محصول نمی‌افزاید، مانند ماشین‌آلات یا مواد اولیه) و هم به‌عنوان سرمایه‌ی متغیر (که ارزش جدیدی به کالا می‌افزاید) عمل می‌کنند. وادیول دقیقاً از این عبارات استفاده نمی‌کند، اما به نظر می‌رسد که کار حیوانات غذایی، نقطه‌ی غاییِ آرزوی سرمایه برای استثمار کاملاً بی‌مانع نیروی کار است؛ سرمایه تمام ابعاد بدنی و زندگی حیوان غذایی را به‌منظور بهبود هرچه بیشتر فرایندهای میکروبیولوژیکیِ آن بهینه می‌سازد. دومین مداخله‌ی کلیدی به چگونگی مفهوم‌پردازی مارکسیست‌ها از سرمایه مربوط می‌شود. درک حیوانات به‌عنوان عامل کار، رابطه‌ی معکوسی را که مارکس بین زمان کار انسانی و سرمایه‌ی ثابت با پیشرفت فناوری مطرح می‌کند، پیچیده می‌سازد. در عوض، با پیشرفت‌های فنی دامداری صنعتی، نیروی کار انسانی به‌طور پیوسته کاهش می‌یابد، درحالی‌که کار حیوانات غیرانسانی افزایش یافته و با حجم فزاینده‌ای از سرمایه‌ی ثابت روبرو می‌شود.

فصل پنجم با عنوان «گردش»، حمل‌ونقل دریایی حیوانات زنده را برای کشتار در بازارهای هرچه جهانی‌تر توصیف می‌کند و جنبه‌ای مهم اما کمتر بررسی‌شده از این صنعت را برجسته می‌سازد. این فصل تجربی‌ترین فصل است و من برخی از جزئیات «به‌ظاهر کوچک» درباره‌ی بازارهای جهانی حیوانات را به‌شکلی عمیقاً تکان‌دهنده و ویرانگر یافتم: برای نمونه، اینکه ۵ تا ۱۰ درصد از حیوانات به‌دلیل گرد و غبار ناشی از خوراک ارزان دام دچار التهاب ملتحمه می‌شوند (۱۴۶) و اینکه گاوها تمام طول سفرهای طولانی بین‌قاره‌ای را به‌دلیل عدم احساس راحتی در حالت نشسته، می‌ایستند (۱۵۹). در سطح مفهومی، وادیول نشان می‌دهد که در نظر گرفتن حیوانات غیرانسانی به‌عنوان عوامل فعال در فرایند تولید، چراییِ گرایش بازارها به استفاده از حیوانات وارداتی از سایر نقاط جهان را تبیین می‌کند: حیوانات غذایی به کار بر روی خود ادامه می‌دهند و به‌این ترتیب هزینه‌ی مربوط به نیروی کارشان نسبتاً پایین باقی می‌ماند. این

بینش، استثنایی بر «قانون» کلی مارکس مبنی بر اینکه گردش، زمان تولید را مختل می‌کند، ارائه می‌دهد؛ زیرا از آنجاکه جایگاه کار حیوانات درون بدن‌هایشان است، تولید حتی در طول گردش نیز ادامه می‌یابد.

فصل ششم با عنوان «مقاومت»، با بررسی تولید ماهی، به موضوعی می‌پردازد که در فصل‌های پیشین به صورت بالقوه مطرح بوده اما به آن پرداخته نشده است: نقش مقاومت حیوانات غذایی در تولید خود به عنوان سرمایه‌ی حیوانی. وادیول استدلال می‌کند که پرسش «آیا ماهی‌ها مقاومت می‌کنند؟» ظرفیت سیاسی‌ای را ارائه می‌دهد که توسط پرسش‌های سنتی درباره‌ی ادراک و رنج مسدود شده است. او معتقد است که مقاومت، چندان به اثبات توانایی‌های ذاتی حیوانات وابسته نیست، زیرا این توانایی‌ها پیشاپیش توسط نظام‌های خشونت‌آمیزی که رفتار حیوانات را شرطی می‌کنند، از نظر معرفتی شکل گرفته‌اند. با الهام از گرایش «پرائیستی» در مارکسیسم ایتالیا، او استدلال می‌کند که فناوری‌های تولید سرمایه‌دارانه، ناخواسته، اعتقاد به مقاومت ماهی‌ها را آشکار می‌سازند. قلاب، تور کیسه‌ای و مزارع آبی‌پروری جز تلاش برای مهار مقاومت ماهی چیست؟ با وجود سلطه‌ی به ظاهر کامل بر حیوانات غذایی، این وضعیت نشان می‌دهد که چگونه عاملیت غیرانسان به جهان ما شکل می‌دهد و این باور را زنده نگاه می‌دارد که این مقاومت، مقدم بر نظام‌های سلطه‌ای است که در پی مهار آن هستند و از آن‌ها فراتر می‌رود.

کار و مقاومت

یک فصل دیگر از متن باقی مانده است، اما من در اینجا مکث می‌کنم تا درباره‌ی بینش‌های مهم این بخش میانی متن تأمل کنم. در میان استدلال‌های درخشان این فصل‌ها، توسعه‌ی مفهوم «کار متابولیک» توسط وادیول، محوری‌ترین مورد به نظر می‌رسد. من از بررسی این مفهوم به عنوان نقطه‌ای برای بحث در تحلیل بیشتر سرمایه‌داری انسان‌محور استقبال می‌کنم، اما این موضوع پرسش‌هایی را نیز مطرح می‌سازد. «کار» چیست، چگونه که تصویر معمول از کار انسان، «کار ماکروبیولوژیکی» حیوانات غیرانسانی (اعمالی که حیوانات در تعامل با دنیای بیرون انجام می‌دهند) و در

نهایت، فرایندهای متابولیکی «میکروبیولوژیکی» داخلی که به رشد حیوان کمک می‌کنند را در بر بگیرد؟ چه چیزی برای دسته‌بندی چیزی به‌عنوان کار ضروری است و پیامد این تصمیم چیست؟

وادپول تا حدی به هر یک از این مسائل پاسخ می‌دهد، اما این پاسخ‌ها پرسش‌های دیگری را نیز مطرح می‌کنند. در مورد اینکه چه چیزی فعالیت را به «کار» تبدیل می‌کند، وادپول معتقد است که این پرسش، پرسش درستی نیست. او به‌جای طرح این پرسش که «آیا حیوانات کار می‌کنند؟» معتقد است که پرسش مناسب‌تر این است: «ارزش استفاده‌ی "نیروی" کار حیوانی برای سرمایه چیست؟» (۹۸، تأکید از متن اصلی است). به نظر من پرسش اخیر مفید است، اما همچنان به نظر می‌رسد که تعیین ارزش استفاده‌ی نیروی کار، وابسته به بحثی مقدماتی درباره‌ی اینکه چه چیزی فعالیت را به کار تبدیل می‌کند، است. در مورد مسئله‌ی دوم - یعنی پیامد اطلاق عنوان «کار» به چیزی - وادپول در فصلی پیشین به روشنی بیان می‌کند که این کار، بر حیوانات غیرانسان به‌عنوان عوامل فعال، نه منفعل، در تولید تأکید دارد. درحالی‌که من آشکارا با این دیدگاه همدل هستم، برای من روشن نیست که تأکید بر فرایندهای متابولیکی حیوانات، این هدف را محقق سازد. به بیان دیگر، اگر سهم فعال و توأم با رنج حیوانات غذایی، این واقعیت باشد که بدن آن‌ها برای بقا و رشد در تلاش است، این امر با انواع عاملیت جهان‌ساز که این اقدام عاملانه معمولاً آن‌ها را مطرح می‌کند، فاصله‌ی بسیار زیادی دارد. در اینجا، به‌کارگیری بینش‌های نوماتریالیسم از فصل دوم می‌توانست مفید باشد. با این حال، این استناد برای هدف متن که نظریه‌پردازی موقعیت ساختاری منحصربه‌فرد حیوانات غذایی است، مشکلاتی را ایجاد می‌کند؛ به همان اندازه می‌توان به فرایندهای متابولیکی گیاهان اشاره کرد و نشان داد که آن‌ها نیز ترکیبی از سرمایه‌ی ثابت و متغیر هستند.

مسئله‌ای مرتبط با بحث وادپول درباره‌ی مقاومت مطرح می‌شود. من معتقدم که تمرکز بر مقاومت حیوانات حیاتی است و از به‌کارگیری اپرائیسم توسط وادپول استقبال می‌کنم. با این حال، به نظر من، مقاومت به‌طور کامل از مشکلات مربوط به سایر ظرفیت‌ها، مانند رنج، اجتناب نمی‌کند. وادپول می‌گوید یکی از مزایای مفهوم مقاومت

این است که از مباحث مربوط به داشتن یا نداشتن این یا آن ظرفیت یا زیربنای عصبی - زیستی در حیوانات غیرانسانی پرهیز می‌کند. اما همان‌طور که او بعداً اشاره می‌کند، این امکان نیز وجود دارد که مقاومت ماهی را صرفاً واکنشی غریزی تلقی کنیم. در این صورت نیز، به مباحث مربوط به حسمندی و توانایی بازمی‌گردیم، زیرا این موارد تعیین می‌کنند که آیا مقاومتی که نشان داده می‌شود، واقعاً مقاومت است یا خیر.

نکته‌ی مشترک در این ملاحظات، ابهام موجود در پرسش‌ها درباره‌ی عاملیت حیوانات غیرانسان است. یکی از ارزش‌هایی که رنج داراست - هرچند نه لزوماً در قالب رویکرد رفاه‌گرایانه یا فایده‌گرایانه‌ی آن - این است که بر نوعی آسیب‌پذیری تمرکز می‌کند که به تعبیر ژاک دریدا در کتاب «حیوانی که از این رو من هستم» (۲۰۰۸)، شکلی از سلبِ توانمندی است، نه آن دسته از قدرت و توانایی که، همان‌طور که وادیول به‌درستی اشاره می‌کند، در معرفت‌شناسی‌هایی که متأثر از خشونت شکل گرفته‌اند، گرفتار می‌آیند. برای روشن شدن موضوع، هدف از این پرسش‌ها این نیست که القا کند مفهوم کار متابولیک یا تمرکز بر مقاومت، بی‌فایده است، یا اینکه رنج، درمان قطعی است. برعکس، پتانسیل جالبی در این مفهوم وجود دارد، اما با وضعیتی که ارائه شده، به نظر من، جای بحث بیشتر و توسعه‌ی مفهومی وجود دارد.

خط‌مشی سیاسی

در فصل کوتاه پایانی با عنوان «آرمان‌ها»، وادیول به پیامدهای سیاسی تحلیل خود می‌پردازد. او در اینجا قصد ندارد بیش از حد برنامه‌محور باشد و فضایی را برای خوانندگان فراهم می‌کند تا تحلیل او را با سیاست‌های عملی در عرصه‌ی واقعیت تطبیق دهند. او مداخلات خود را به سه دسته تقسیم می‌کند: چارچوب‌بندی، تاکتیک‌ها و اهداف. در سطح چارچوب‌بندی، وادیول پیشنهاد می‌کند که خواسته‌ی اصلی حامیان حیوانات، نه صرفاً کاهش رنج حیوانات غذایی، بلکه باید بازپس‌گیری زندگی‌شان باشد. به‌علاوه، او بار دیگر از حامیان حیوانات می‌خواهد که بر تولید و نه صرفاً بر مصرف تمرکز کنند. در سطح تاکتیک‌ها، وادیول استدلال می‌کند که وگنیسم نقش سیاسی مهم دارد، اما بسیاری از اشکال وگنیسم مصرف‌محور و بازارمحور به احتمال زیاد

نمی‌توانند ساختار تولید سرمایه‌داری را تغییر دهند. سرانجام، در سطح اهداف، وادیول به این مسئله می‌پردازد که چگونه تصویرگری‌های سنتی کمونیستی از مالکیت دموکراتیک وسایل تولید، می‌تواند خطر تشدید سلطه بر حیوانات غیرانسانی را به‌دنبال داشته باشد. در عوض، همبستگی انسان و غیرانسان را می‌توان از دریچه‌ی بازبایی زمان جستجو کرد، که این امر حامیان را به فراخوان پایان کامل کار سوق می‌دهد و بدین ترتیب، راه ضدسرمایه‌دارانی مانند آنتونیو نگری و کتی ویکس را دنبال می‌کند.

من عمده‌تاً با گفته‌های وادیول موافق بودم، اما تأکید او بر اتخاذ استراتژی‌های تولیدمحور، پرسش‌هایی را مطرح کرد. وادیول ارزش بسیاری از مداخلات سمت تقاضا را انکار نمی‌کند و اشاره می‌کند که تولید و مصرف با یکدیگر مرتبط هستند، اما او ماهیت این پیوند را در سطح کنشگری سیاسی به‌طور کامل توضیح نمی‌دهد. به نظر من، این اثر می‌توانست از مفصل‌بندی عمیق‌تر رابطه‌ی بین تولید و مصرف بهره‌مند شود، زیرا استراتژی‌های مرتبط با مصرف همواره بخشی از مجموعه اقدامات حامیان حیوانات خواهد بود. با وجود همه‌ی محدودیت‌های جنبش‌های مصرف‌محور، آن‌ها به حوزه‌ای توجه دارند که افراد در آن کنترل مستقیم دارند (نکته‌ای که وادیول نیز آن را تصدیق می‌کند).

به‌طور کلی، با اینکه وادیول تلاش زیادی را صرف توضیح مثال‌هایی از حمایتگری با تمرکز بر تولید می‌کند، هنوز هم برای من کاملاً روشن نیست که این نوع حمایتگری در زندگی روزمره چطور نمود پیدا می‌کند. او دو مثال واضح و به‌روز می‌آورد: یکی از مقاومت مردم یوین (Yuin) در برابر کشتار کانگوروها در استرالیا، و دیگری از سازمان ضدگونه‌پرست مکزیکی FaunAcción، که هر دو به ارتباط بین استعمار و سرمایه‌داری اهمیت زیادی می‌دهند. با این حال، متن وادیول این نمونه‌ها را بیشتر از طریق اعلام اهدافشان نشان می‌دهد. اینها بدون شک مهم‌اند، اما به نظر می‌رسد که تغییر به‌سمت مختل کردن تولید، فرایندی را که طی آن اعلامیه‌ها به‌صورت جمعی به سازمان‌دهی مؤثر و میدانی تبدیل می‌شوند، برجسته می‌کند.

سؤال دیگری که در این فصل مطرح می‌شود این است که تحلیل وادیول تا چه اندازه از دو استراتژی بسیار رایج - حداقل در ایالات متحده - در حمایت از حیوانات

پشتیبانی می‌کند: عملیات نجات، مانند عملیات گروه اقدام مستقیم در هر کجا Direct Everywhere (Action)، که با نفوذ به دامداری‌های صنعتی شرایط تولید را افشا می‌کند؛ و گوشت «آزمایشگاهی». با توجه به شرکت‌ها و سطح سرمایه‌ی درگیر، گمان می‌کنم مورد دوم بحث برانگیزتر باشد. طرفداران گوشت تولید شده در آزمایشگاه که حامی بازار هستند، این استراتژی را به دلایل مرتبط با عرضه نیز تأیید می‌کنند، اما آنها به صراحت از قدرت بازار و شرکت‌های بزرگ برای تبدیل این فناوری به یک واقعیت متداول حمایت می‌کنند.^۱ از سوی دیگر، برخی مخالفان سرمایه‌داری، نسبت به گوشت آزمایشگاهی رویکردی خوش‌بینانه‌تر دارند و استدلال می‌کنند که اجتماعی‌سازی تولید آن، اولوی‌تی ضروری برای جریان چپ به شمار می‌رود.^۲ اگر دیدگاه وادیول صحیح باشد و عرصه‌ی تولید نقشی کلیدی ایفا کند، این رویکرد اخیر با تحلیل او سازگارتر به نظر می‌رسد؛ با این حال، او این پرسش را بی‌پاسخ می‌گذارد.

فکر نمی‌کنم وادیول موظف به ارائه‌ی پاسخ‌های قطعی به همه‌ی این پرسش‌ها در چارچوب کار گسترده‌اش باشد، و این که «حیوانات و سرمایه» این گفتگوها را به پیش می‌برد، نشان از قدرت آن است. این اثر به حامیان حیوانات یاری می‌رساند تا ساختارهای نوین سلطه بر حیوانات را به شکل بهتری ترسیم کنند و ابزارهای مفهومی مهمی را برای مواجهه با آن‌ها فراهم می‌آورد. از این رو، این متن را به شدت توصیه می‌کنم و مطالعه‌ی آن را هم برای حامیان حیوانات و هم برای هر منتقد سرمایه‌داری امری ضروری می‌دانم. هر دو اثر «حیوانات و سرمایه» و «جنگ علیه حیوانات»، با تشخیصی استاندارد، ماهیت متمایز سلطه‌ی انسان‌محور مدرن بر حیوانات غیرانسانی را تبیین می‌کنند. این دو اثر با هم، استدلالی قوی مطرح می‌کنند مبنی بر اینکه تمامی کسانی که به مبارزات عدالت اجتماعی علاقه‌مندند، لازم است که به مبارزه برای آزادی حیوانات نیز توجه نشان دهند (و بالعکس).

(۲)

گیزم هاسپولات

«حیوانات و سرمایه»، تحلیلی فراگیر از رابطه‌ی متمایز حیوانات غیرانسان با سرمایه است که خواننده را فرامی‌خواند تا با ابزارهای تحلیلی نظریه‌ی مارکسیستی ارزش، در مفهوم دامداری صنعتی بازنگری کند. «حیوانات و سرمایه» که حاصل بیش از یک دهه پژوهش و تفکر است، بستری را برای تحلیل دامداری صنعتی در نظام سرمایه‌داری جهانی به‌مثابه‌ی یک سیستم سلطه فراهم می‌آورد. کتاب حاضر با اتکا و بسط نوشته‌های پیشین وادیول («آیا ماهی‌ها مقاومت می‌کنند؟»، «همچون کسی که پوست خویش به بازار آورده است»، «دستگاه برداشت مرغ») تدوین شده که بخش‌هایی از آنها در همین کتاب بازنشر شده است. وادیول اذعان دارد که این کتاب «می‌تواند به‌طور منطقی جلد دوم کتاب "جنگ علیه حیوانات" (۲۰۱۵) در نظر گرفته شود» با این تذکر که هیچ «انسجام کاملی» بین این دو کتاب وجود ندارد. (ix) یکی از نقاطی که این دو کتاب از یکدیگر جدا می‌شوند، در هسته‌ی اصلی یک استدلال کلیدی نیز قرار دارد که این کتاب را به یک مطالعه‌ی ضروری برای کنشگران رهایی حیوانات، حقوق حیوانات و چپ‌ها تبدیل می‌کند: کتاب «حیوانات و سرمایه» خواستار و آغازگر بحثی قدرتمند در مورد هم‌پوشانی‌های ساختاری بین حمایت از حیوانات و جنبش‌های ضدسرمایه‌داری است. این کتاب علاوه بر تمرکز دقیق بر نقد نظام تولید صنعتی، با طیف گسترده‌ای از متون، از جمله، اما نه محدود به، ماتریالیسم‌های نو، نظریه‌ی بازتولید اجتماعی فمینیستی، مارکسیسم سیاه، مطالعات انتقادی حیوانات و مطالعات کار، درگیر می‌شود.

کتاب وادیول یکی از معدود تحلیل‌های جامع نظریه‌ی ارزش کار حیوانی را ارائه می‌دهد. این کتاب موقعیت متمایز غیرانسان‌ها در نظام تولید سرمایه‌داری را توصیف و تحلیل می‌کند و بر «حیوانات غذایی» به‌عنوان یک طبقه تمرکز دارد. این کتاب پرسش مربوط به کار حیوانات را از «آیا حیوانات کار می‌کنند؟» به «ارزش مصرف نیروی کار حیوانی برای سرمایه چیست؟» (۹۸) تغییر می‌دهد. به باور وادیول، حیوانات غذایی یک «طبقه‌ی اقتصادی ویژه» با جایگاهی دوگانه در تولید سرمایه‌داری به شمار می‌روند،

زیرا کارکرد مضاعفی در تولید ارزش ایفا می‌کنند (۲). آنها با انجام «کار متابولیک» که پس‌بلدو آن را به‌عنوان مفهومی کلیدی برای درک «آنچه پس‌از حذف کار انسان از معادله‌ی "تولید" گوشت حیوانات باقی می‌ماند» (۱۱۲) ارائه کرده است، از ماده‌ی خام به کالاهای مصرفی استحاله می‌یابند. کار متابولیک عاملی است که باعث می‌شود آنها هم به‌عنوان ماده‌ی خام برای پردازش و هم نیروی کار، یعنی، هم سرمایه‌ی ثابت و هم سرمایه‌ی متغیر، ظاهر شوند. سومین شکل ارزشی که حیوانات غیرانسانی در تولید صنعتی در آن ظاهر می‌شوند، یعنی کالاهای مصرفی، به این کار دوگانه گره خورده است. تمرکز بر کار متابولیک همچنین به وادیول این امکان را می‌دهد تا حوزه‌ای نسبتاً کمتر بررسی‌شده از بهره‌کشی حیوانات را تحلیل کند: تجارت زنده‌ی «حیوانات غذایی». وادیول با ترکیب اهمیت کار متابولیک با مسئله‌ی «ارزانی» حمل‌ونقل زنده به‌عنوان جایگزینی برای تجارت «گوشت» فرآوری‌شده، به‌طرز درخشانی مکانیسم‌هایی را مستند می‌کند که از طریق آن‌ها ارزشی که حیوانات تولید می‌کنند، بر هزینه‌های گردش کالا غلبه می‌کند. وادیول هم با تغییر دادن مسئله‌ی ارزش به موضوعی که بر متابولیسم تمرکز دارد و هم با تمرکز بر تجارت زنده به‌عنوان حوزه‌ای نسبتاً کمتر بررسی‌شده از بهره‌کشی، سهم قابل توجهی در ادبیات مطالعات انتقادی حیوانات ایفا می‌کند.

«حیوانات و سرمایه» با تمرکز بر کار حیوانات غیرانسانی درگیر در فرایند تولید، مداخلات کلیدی در جنبش‌ها و ادبیات ضدسرمایه‌داری انجام می‌دهد. تحلیل وادیول خود را از تحلیل‌های چپ‌گرایانه‌ی کار رسمی متمایز می‌کند؛ تحلیل‌هایی که حیوانات را به‌عنوان ابژه‌های منفعل تولید یا طبیعت صرف که سرمایه‌داران آزادانه از آن بهره‌کشی می‌کنند، در نظر می‌گیرند. کتاب به شرح و استدلال علیه اثرات «انسان‌محوری سلسله‌مراتبی» می‌پردازد که یکی از آن‌ها محو کردن کار فعال حیوانات غیرانسانی در ساخت و پرداخت جهان به همان اندازه‌ی گونه‌های انسانی است. این بازتعریف، خوانندگان را ترغیب می‌کند تا کار غیرانسانی را به‌عنوان یک جزء اساسی تولید سرمایه‌داری بشناسند، که به گفته‌ی وادیول، برای یک نقد کامل‌تر از سرمایه‌داری و برای تدوین راهبردهای مؤثر برای مقابله با بهره‌کشی حیاتی است. این استدلال‌های

گیرا در مورد نظریه‌ی ارزش کار حیوانی به شیوه‌ای قابل دسترس برای خوانندگان ارائه می‌شود، صرف‌نظر از آشنایی آن‌ها با اصطلاحات مارکسیستی، که نشان‌دهنده‌ی میزان تبهر وادیول در تبدیل مفاهیم پیچیده به روایت‌های جذاب و همخوان با مخاطبان متنوع است.

کتاب همچنین با تغییر تمرکز از روابط مصرف به روابط تولید، روایت‌های مرسوم را به چالش می‌کشد و استدلال می‌کند که ریشه‌ی بهره‌کشی از حیوانات نه در تقاضای مصرف‌کننده برای گوشت بیشتر، بلکه در انگیزه‌ی سرمایه‌داری برای ارزش اضافی از طریق کار حیوانات نهفته است. این امر با فراتر رفتن از «خطای آشکار کالایی‌سازی» و پرداختن به مشکلات ساختاری که به مسائل اخلاقی دامن می‌زنند (وادیول viii)، عمق بیشتری به نقد این روابط تولید می‌بخشد. وادیول ضمن اذعان به اهمیت انتخاب‌های اخلاقی مصرف‌کننده، همچنین نسبت به اعتماد بیش از حد به سیاست‌های متمرکز بر مصرف هشدار می‌دهد، زیرا سرمایه‌داری در درجه‌ی اول به هزینه‌های بازتولید نیروی کار اهمیت می‌دهد تا نحوه‌ی خرج شدن دستمزدها. این تأکید بر (باز)تولید، گفتمانی میان جنبش‌های فمینیستی و آزادی حیوانات پدید می‌آورد. وادیول با بهره‌گیری از مطالعات انتقادی فمینیستی حیوانات و همچنین نظریه‌ی بازتولید اجتماعی فمینیستی و مطالعات کار، به سمت سیاست‌هایی برای برچیدن تمام کار اجباری حاملگی اشاره می‌کند. کتاب پیوستگی‌ها را در نحوه‌ی تصاحب کار بارداری توسط سرمایه در رحم اجاره‌ای تجاری و شیوه‌های دامداری نشان می‌دهد. در نظام‌های تولید صنعتی، هم انسان‌ها و هم حیوانات غیرانسانی از ارتباط با فرزندان خود، حتی ارتباطات مبتنی بر مالکیت، محروم می‌شوند. اگر همان‌طور که مطالعات کار فمینیستی مستند می‌کنند، کار بارداری یک پویایی کلیدی در نحوه‌ی سلطه‌ی سرمایه بر «زندگی» باشد، آنگاه امتناع از کار اجباری بارداری به‌عنوان نقطه‌ی شروعی برای تصور یک آینده‌ی چندگونه‌ای متفاوت ضروری است. این بینش‌ها برای خوانندگانی که علاقه‌مند به شناخت عاملیت حیوانات و در عین حال به چالش کشیدن ساختارهای سرمایه‌داری هستند، مفید است؛ آن‌ها چارچوبی برای بازاندیشی همسویی بین

جنبش‌های رهایی انسان و حیوانات ارائه می‌دهند بدون اینکه تعارضات اساسی بین این دو را انکار کنند.

کتاب در کنار مطرح کردن ادعایی نیرومند درباره‌ی اهمیت ایجاد اتحاد بین این جنبش‌ها، به تضادها، یعنی «تقسیمات ساختاری که می‌توانند از ایجاد اتحاد جلوگیری کنند» (۵۰)، نیز می‌پردازد. وادیول در بیان این نکته، از تحلیل فرانک وایلدِرسون درباره‌ی سیاهی به‌مثابه‌ی یک موقعیت ساختاری منحصربه‌فرد، یک هستی‌شناسی که نمی‌تواند در هیچ موقعیت دیگری در سرمایه‌داری جذب شود، درست مانند موقعیت حیوانات غیرانسانی، بهره می‌برد. قیاسی که وایلدِرسون بین هستی‌شناسی سیاهان و حیوانات غیرانسانی در کشتارگاه‌ها ایجاد می‌کند، یادآوری خوبی از چالش‌های یک دیدگاه متقاطع (اینترسکشنال) است - همان‌طور که کیمبرلی کرنشاو در مقاله‌ی «بازنمایی حاشیه‌ها: تقاطع، سیاست هویت، و خشونت علیه زنان رنگین‌پوست» استدلال کرده است. وادیول می‌نویسد: «انقلابی که کنترل وسایل تولید را به کارگران انسانی واگذار کند، برای حیوانات یک انقلاب محسوب نخواهد شد اگر آنان همچنان وسایل تولید و وسایل امرار معاش باقی بمانند» (۵۳). وادیول در بخش پایانی کتاب با عنوان «آرمان‌ها»، به شیوه‌ای سازنده به این چالش می‌پردازد و «تاکتیک‌هایی» برای تولید «تصور اجتماعی از یک آینده‌ی ممکن» (۲۰۰) ارائه می‌دهد. این تاکتیک‌ها جایی هستند که تعامل وادیول با طیف گسترده‌ای از جنبش‌های سیاسی در برجسته ساختن اتحادهای بالقوه آشکار می‌شود. او ضمن ارائه نمونه‌های مشخص از اخلاق بومی و جنبش‌های عدالت غذایی، به پتانسیل اتحاد بین حامیان حیوانات و اتحادیه‌های کارگری، فمینیست‌ها و کنشگران حقوق کار نیز اشاره می‌کند. این فصل یکی از عناصر کلیدی کتاب است که آن را به‌عنوان اثری متمایز در مطالعات انتقادی حیوانات برجسته می‌کند. کتاب با نه‌تنها تحلیل کردن بلکه تصور کردن راهی چندگونه‌ای برای خروج از روابط تولید سرمایه‌داری، افقی تعمداً غیربرنامه‌محور برای رهایی جمعی ارائه می‌دهد. وادیول در «حیوانات و سرمایه»، نقدی عمیق ارائه می‌دهد که نحوه‌ی درک ما از بهره‌کشی حیوانات غیرانسانی تحت سرمایه‌داری را دگرگون می‌سازد. او با ایجاد پیوند بین نظریه‌ی مارکسیستی و مطالعات انتقادی حیوانات، خوانندگان را به چالش می‌کشد

تا از کنشگری سنتی متمرکز بر مصرف‌کننده فراتر رفته و در عوض، سازوکارهای ساختاری را که به‌طور یکسان به بهره‌کشی از حیوانات و انسان‌ها منجر می‌شوند، به دقت واریسی کنند. این اثر نه‌تنها بر ایجاد ائتلاف بین جنبش‌های حقوق حیوانات و ضدسرمایه‌داری تاکید می‌کند، بلکه پیچیدگی‌ها و تعارضات بالقوه‌ی درون چنین اتحادیهایی را نیز به رسمیت می‌شناسد. «حیوانات و سرمایه» از رهگذر کاوش در انسان‌محوری سلسله‌مراتبی، انگیزه‌ی سرمایه‌داری برای ارزش اضافی، و کار حیوانات به‌مثابه‌ی یک جزء اساسی از آن ارزش اضافی، چارچوبی قانع‌کننده برای تصور یک آینده‌ی چندگونه‌ای عادلانه‌تر ارائه می‌دهد - آینده‌ای که رهایی را به‌عنوان پیکاری مشترک علیه بهره‌کشی در شکلی فراتر از انسان بازتعریف می‌کند.

منابع

- بلدو، لِس. «کار متابولیک: مرغ‌های گوشتی و بهره‌کشی از حیات» علوم انسانی محیطی، جلد ۹، شماره‌ی ۱، ۲۰۱۷، ص ۲۸-۱۰۸.
- کرنشاو، کیمبرلی. «بازنمایی حاشیه‌ها: تقاطع، سیاست هویت، و خشونت علیه زنان رنگین‌پوست» نشریه‌ی حقوقی استنفورد، جلد ۴۳، شماره‌ی ۶، ۱۹۹۱، ص ۹۹-۱۲۴۱.
- وادیول، دینش. «جنگ علیه حیوانات». بریل، ۲۰۱۵.
- وادیول، دینش. «آیا ماهی‌ها مقاومت می‌کنند؟» مجله‌ی مطالعات فرهنگی، جلد ۲۲، شماره‌ی ۱، ۲۰۱۶، ص ۱۹۶-۲۴۲.
- وادیول، دینش. «همچون کسی که پوست خویش به بازار آورده است: مارکس، ایریگاری، دریدا و کالانگاری حیوانات». انگلاکی، جلد ۲۱، شماره‌ی ۲، ۲۰۱۶، ص ۶۵-۸۲.
- وادیول، دینش. «ماشین برداشت مرغ». ساوث آتلانتیک کوارترلی، جلد ۱۱۷، شماره‌ی ۳، ۲۰۱۸، ص ۴۹-۵۲۷.



حیوانات و سرمایه

دینش وادیول

برگردان: حسن کلینی

ناشر: انتشارات سیتا

چاپ اول ۱۴۰۴

^۱ ناتانیل پوپر، «این کنشگر حیوانات پیش‌تر رویکردی تهاجمی داشت. اکنون تمرکز او بر ذائقه‌ی مخاطبان است»، نیویورک تایمز ۱۲ مارس ۲۰۱۹.

<https://www.nytimes.com/2019/03/12/technology/bruce-friedrich-animal-activist.html>

^۲ یان دوتکیویچ، «گوشت آزمایشگاهی را اجتماعی کنید» ژاکوبین ۱۱ اوت ۲۰۱۹.
<https://jacobin.com/2019/08/lab-meat-socialism-green-new-deal>